

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

اکبر تک دهقان

۱۲ آذر [قوس] ۱۳۸۸ - ۳ دسمبر ۲۰۰۹

## بازداشت‌های وسیع دانشجویان و اجبار به وحدت مبارزاتی

بناء به اعلام کمیته گزارشگران حقوق بشر، دو عضو این کمیته، سعید کلانکی و سعید جلالی فر، از سوی دسته جات سرکوب رژیم اسلامی، روز ۹ آذر [قوس] - ۳۰ نومبر در محل کار و سکونت خود بازداشت شده، هنوز از محل نگهداری آنها، اطلاعی در دست نیست. این کمیته که در زمینه دفاع از حقوق شهروندان، به ویژه زندانیان سیاسی، زنان، دانشجویان، فعالین صنفی، کودکان کار خیابانی و محیط زیست، فعالیت گسترده ای دارد، طی اطلاعیه ای به تاریخ ۱۰ آذر [قوس] - ۱ دسمبر، ضمن توصیف شرایط تشدید سرکوب کنونی علیه فعالیتهای این کمیته، آورده است:

" سعید کلانکی از همکاران قدیمی کمیته گزارشگران حقوق بشر و مدافع سرسخت حقوق زندانیان سیاسی در طول سالیان گذشته بارها از سوی نهادهای امنیتی احضار و نسبت به عدم پیگیری فعالیتهای خود مورد تهدید واقع شده بود. سعید جلالی فر دیگر عضو فعال کمیته و از اعضای "جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان" در عرصه حقوق کودکان فعالیت مستمر و تاثیرگذاری داشته است. "

اطلاعیه کمیته گزارشگران حقوق بشر، همچنین به موارد متعدد دیگری از بازداشتها و احضارهای اعضاء آن که هم اینک اوج گرفته، از جمله زندانی سیاسی سابق شیوا نظرآهاری، پریسا کاکایی، سعید حبیبی و کوهیار گودرزی اشاره کرده است.

شدت گیری سرکوب افسارگسیخته علیه نهادهای دفاع از حقوق دموکراتیک شهروندان، نظیر کمیته گزارشگران حقوق بشر، نه یک اقدام ظاهراً روزمره از سوی سرکوبگران، بلکه تلاشی برای برچیدن مؤسساتی است، که مردم تحت سخت ترین شرایط به وجود آورده، قادر به انجام فعالیتهای بسیار مؤثری نیز از این طریق گشته اند. از این رو، تاثیرات موفقیت احتمالی رژیم در این زمینه، به مراتب از سطح بازداشت‌های فردی فعالین و دانشجویان فراتر رفته، دامن همگان را خواهد گرفت.

روز ۱۲ آذر [قوس] - ۳ دسمبر نیز، دانشجوی آزادیخواه دیگری در تهران، فواد شمس، در پی یک احضار نامه، و حتی پیش از پایان مهلت آن، بازداشت شده است؛ بناء به اعلام پدر: او هنوز از محل بازداشت فرزند خود، اطلاعی

ندارد. روز پیش از آن، خبر بازداشت دانشجوی اخراجی دانشگاه پلی تکنیک، محمد یوسف رشیدی منتشر گشت. موج بازداشت‌های دانشجویان، ظاهراً با هدف تاثیرگذاری منفی بر جریان اعتراضات ۱۶ آذر امسال، از هفته های گذشته آغاز گردید.

در فاصله ۲۸ آبان [عقرب]، قبل و بعد از آن، گروهی از فعالین دانشجویی وابسته به جریانات مختلف نیز به شیوه وحشیانه ای با تهاجم به محل کار، تحصیل و سکونت، در تهران و شیراز بازداشت شده اند. فعالین دانشجویی، احسان دولت‌شاه، تینا شکوهی، مهرداد بزرگ، فرهان رؤوفی، علی رضا موسوی، البرز زاهدی و سورنا هاشمی، همچنین، سلمان سیما، عباس حکیم زاده، ندا اسکندری، خدیجه قهرمانی، به این گروه از دستگیرشدگان تعلق دارند. اسامی ذکر شده در اینجا، هنوز همه بازداشت شدگان مقطع ۱۶ آذر امسال را در بر نمیگیرد.

تشدید سرکوب در محیط دانشگاهها و علیه فعالین دانشجویی، که دیگر ایدئولوژی و خط و مرز سیاسی نمیشناسد، سندی است بر اینکه، نسل جوان کشور در دانشگاهها، باید هر چه بیشتر حول منافع مشترک دست به عمل زده، از تکیه بر منافع فردی و یا گروهی، خودداری کنند. شرایط سیاسی جامعه چنان دشوار و غیرقابل تحمل، و موقعیت رژیم و سیاست خارجی آن، چنان بحرانی است، که راه های حل محدود و گروهی در مقابله با آن، به هیچوجه راهگشا نبوده، تنها دانشجویان را به طعمه ساده ای برای دستگاه سرکوب درنده خوی حاکم، مبدل میسازد.

برای دانشجویان از گرایشهای فکری گوناگون، باید روشن باشد، که رژیم اسلامی، حقی در حد قبایل آمازون هم برای مردم ایران به رسمیت نشناخته، و برسمیت نخواهد شناخت؛ قانون اساسی، قوانین وحشیانه قصاص و ۳۰ سال ترور و ویرانگری آن، بهترین شاهد این بربرمنشی است. از این رو، به دام جریانات سلطنت طلب و اسلامی، و یا شبه چپ بی مسؤولیت خارج افتادن، و عمده کردن تضادهایی، که به هر حال در هر جامعه ای موجود است، بناء به تجربه، جز سهل و ساده ساختن فرصتهای سرکوب دانشجویان، نتیجه دیگری نخواهد داشت.

تکلیف سیستمهای اقتصادی- اجتماعی، و یا نظریات عمده در جامعه سرمایه داری، از طریق بحثهای شبه روشنفکرانه و جدول ضربی، و در جزوات و وبلاگهای دانشجویی، تعیین نخواهد شد. اختلافات و تضادها، پیرامون اشکال گوناگون سازماندهی نظام اجتماعی در این جهان، عمری به درازای تاریخ جامعه طبقاتی دارد. به انتها رساندن آن، کار این فرد و آن گروه کوچک دانشجویی و اینترنتی، آنهم در جامعه ای تحت توحش آخوندی، نیست. مردم بی حقوق و برده شده، قادر به تشخیص و عمل واقعی، به مثابه نقش آفرینان روندهای تاریخی- جهانی، و تحقق این یا آن هدف دورانساز، نیستند. برای پیشروی در مسیر تغییرات اساسی نظیر بقیه بشریت، باید قبل از همه طوق بردگی اسلامی، این ضدانسانی ترین نوع بردگی در تاریخ سده های اخیر جهان را، به دور انداخت. تأسیس و توسعه نظامات لیبرالی و یا سوسیالیستی در اروپای قرون هجدهم تا بیستم، محصول تلاش انسانهای آزاد از بردگی دوران بدویت بود.

مردم کنونی ایران، حبس شده در یک جامعه دلالی- اسلامی، به لحاظ واقعی و نه اغراق آمیز، از صحرائشینان عربستان دوران محمد تاجر، بی حقوق ترند. بدون هیچ تردید و اغراقی، طی ۳۰ سال درنده خویی این رژیم پلید، ملتی بی حقوق تر، تحقیر شده تر و بدبخت تر از ملت ایران، تحت گروگان این باند آدمکش و راهزن، در جهان وجود نداشته است. مردم ایران، نه ملتی نظیر دیگر ملل جهان، بلکه به مثابه توده ای غنیمت جنگی، توسط دسته جاتی خون آشام تصرف شده، و هر جنایت غیرقابل تصویری، که فکر کردن به آنها، روح انسان آزاده را خرد میکند، علیه آنها صورت گرفته است. رفتار دژخیمان رژیم و دستورات قرآن نحس آن، این نکبت و ننگ بشریت پیشرو، نه رفتار با انسان، بلکه حکم رفتار با غنایم جنگی، در دوران سلطه گری بانی این مذهب را دارد.

تا رژیم جانی اسلامی، این تجسم برده سازی مجدد انسان آزاد در تاریخ معاصر جهان، به قدرت مردم سرنگون نشود، در این کشور، سنگ روی سنگ بند نخواهد شد؛ سوسیالیسم و لیبرالیسم که جای خود دارند. باید نیروی اجتماعی دانشجو، به پیکره واحدی فرا روئیده، بر پرچم آن شعار واحدی حک شود:

**سرنگون باد حکومت اسلامی!**

**زنده باد آزادی و عدالت!**

-----  
توضیحات

منبع خبر جدید از بازداشتها

<http://www.schrr.net/spip.php?article7124>

منبع خبری بازداشتهای روز ۲۸ آبان [عقرب]

<http://www.hra-news.org/news/9292.aspx>

---